

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

بنیادهای فکری القاعده

(تأثیرات اندیشه‌های وهابی-سلفی)

با مقدمه‌ای از:
دکتر کیهان برزگر

نویسنده:
محمد محمودیان



انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com

بنیادهای فکری القاعده (تأثیرات اندیشه‌های وهابی - سلفی) ■ تألیف: محمد محمودیان ■ بامقدمه:
دکتر کیهان بزرگر ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ طراح جلد: گلناز حسامی ■ ویراستار: محمد رضا
موسوی ■ چاپ اول: ۱۳۹۰ ■ قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۶۰-۹
همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: محمودیان، محمد، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور: بنیادهای فکری القاعده: تأثیرات اندیشه‌های وهابی - سلفی /
مؤلف محمد محمودیان .
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق ع، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۸۶ ص.
شابک: ۳۵۰۰۰ ریال: 978-600-214-060-9
وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: تأثیرات اندیشه‌های وهابی - سلفی.
موضوع: بن لادن، اسامه، ۱۹۵۷ - م.
موضوع: القاعده (سازمان)
موضوع: سلفیه
موضوع: وهابیه
موضوع: بنیادگرایی اسلامی
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: HV۱۳۹۰۶۴۳۱۳۹ / م۳ ب۹
رده بندی دیویی: ۶۲۵/۳۰۳
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۳۲۲۲۲

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
مقدمه.....	۱۱
پیشگفتار.....	۱۷
فصل ۱. بررسی زمینه ظهور جریان‌های اسلامی در جهان عرب.....	۲۳
۱-۱. جنبش اخوان المسلمین: شاخص‌ترین جریان اسلامی مصر در دهه دوم	
قرن بیستم.....	۲۶
۲-۱. گروه الجهاد.....	۳۴
۳-۱. گروه جماعت اسلامی.....	۴۶
پی نوشت‌ها.....	۵۵
فصل ۲. چگونگی شکل‌گیری القاعده و ساختار آن.....	۵۷
۱-۲. زمینه‌های داخلی.....	۵۷
۱-۱-۲. روند تشکیل القاعده و رهبری آن.....	۵۸
الف. چگونگی نام‌گذاری القاعده.....	۶۱
ب. رهبری، کادر اصلی و تشکیلات القاعده.....	۶۷
۲-۱-۲. پیدایش دولت طالبان و رابطه القاعده با آن.....	۷۳

۶ □ بنیادهای فکری القاعده (تأثیرات اندیشه‌های وهابی- سلفی)

- الف. ارتباط القاعده با دولت طالبان..... ۷۷
- ب. سقوط دولت طالبان ۸۷
- ۲-۱-۳. ارتباط رهبری القاعده با گروه‌های سلفی الجهاد و جماعت اسلامی
- مصر..... ۸۹
- ۲-۱-۴. ارتباط القاعده با سایر جریان‌های اسلام‌گرای سلفی در دنیا ۹۴
- اول. حوزه هند و پاکستان ۹۶
- دوم. حوزه منطقه آسیای مرکزی ۹۶
- سوم. حوزه جنوب شرق آسیا..... ۹۷
- چهارم. حوزه خاورمیانه و خلیج فارس ۹۸
- پنجم. حوزه مغرب عربی و مدیترانه ۱۰۰
- ۲-۲. زمینه‌های خارجی: سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا ۱۰۳
- ۲-۲-۱. تقویت حکومت‌های وابسته ۱۰۵
- ۲-۲-۲. حمایت بی حد و حصر از رژیم صهیونیستی ۱۰۸
- پی نوشت‌ها ۱۱۲
- فصل ۳. تأثیرات سلف‌گرایی- وهابی بر مبانی ایدئولوژیک القاعده ۱۱۵**
- ۳-۱. تشریح دیدگاه‌های وهابی- سلفی و ارتباط آن با القاعده ۱۱۶
- ۳-۱-۱. وهابی ۱۱۷
- ۳-۱-۲. آراء و اعتقادات وهابیت ۱۱۹
- ۳-۱-۳. سلفی و سلف‌گرایی ۱۲۱
- ۳-۲. میزان تأثیر پذیری القاعده از تفکرات ابن تیمیه، ابوعلی المودودی و سید قطب و گروه‌های تند روی مصری ۱۲۵
- ۳-۲-۱. اصول و آراء فکری ابن تیمیه ۱۲۵
- ۳-۲-۲. اعتقادات کلامی ابن تیمیه ۱۲۹

فهرست مطالب □ ۷

۱۳۱.....	۳-۲-۳. اندیشه‌های ابو علاء المودودی.....
۱۳۴.....	۴-۲-۳. اندیشه‌ها و آراء سيد قطب.....
۱۴۳.....	۵-۲-۳. آراء و اندیشه‌های گروه‌های تندرو مصری.....
۱۴۸.....	۶-۲-۳. بررسی محتوایی بیانی‌ها و اظهارات القاعده.....
۱۵۰.....	۳-۳. میزان تأثیرات اندیشه سیاسی - فکری القاعده بر سایر گروه‌های سلف‌گرای
۱۵۰.....	اهل تسنن.....
۱۵۷.....	۱-۳-۳. دیدگاه رسمی آمریکا و انگلیس راجع به القاعده.....
۱۶۰.....	۴-۳. دیدگاه شیعه و اهل سنت نسبت به القاعده.....
۱۶۰.....	۱-۴-۳. دیدگاه شیعه.....
۱۶۴.....	۲-۴-۳. دیدگاه اهل تسنن راجع به القاعده.....
۱۷۱.....	نتیجه گیری.....
۱۷۵.....	یادداشت‌ها.....
۱۶۸.....	پی‌نوشت‌ها.....
۱۷۹.....	فهرست منابع.....
۱۸۵.....	نمایه‌ها.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا لَأُحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَيَّ كَثِيرًا مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر

پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

بحث در زمینه خطرات تروریسم القاعده برای صلح و امنیت جهانی به طور جدی بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اتخاذ استراتژی جدید جرج بوش در مبارزه با القاعده و گروه‌های خشونت‌طلب وابسته به آن آغاز گردید. در استراتژی بوش و نئومحافظه‌کاران (۲۰۰۸-۲۰۰۰) مبارزه با تروریسم القاعده به عنوان مهمترین اصل در تأمین امنیت آمریکا و به تبع امنیت جهان ارتباط مستقیم داشت و در این میان حفظ امنیت خاورمیانه به عنوان حلقه اتصال دهنده امنیت آمریکا و امنیت جهان مورد تأکید قرار گرفت. بدین ترتیب با مشروعیت بخشیدن به ضرورت مبارزه با تروریسم القاعده به عنوان یک تهدید جهانی، آمریکا جنگ‌های افغانستان و عراق را آغاز کرد.

اینکه تا چه اندازه خطر تروریسم القاعده برای امنیت جهان واقعی است جای بحث جدی دارد. بعضی از دیدگاه‌های بدبینانه معتقدند که مبارزه با تروریسم القاعده به ابزاری برای حضور و تثبیت هژمونی آمریکا در مناطق استراتژیک جهان به خصوص خاورمیانه تبدیل شد و آمریکا به طور نامشروع یک خطر امنیت ملی را به یک خطر جهانی تبدیل کرده و از این طریق هزینه‌های زیادی را به سایر دولت‌ها و ملت‌های جهان تحمیل می‌کند. از این دیدگاه، محور قرار دادن مفهوم «تروریسم هسته‌ای» و اتصال آن با

خطرات القاعده در «موضع‌گیری هسته‌ای» باراک اوباما نیز به نوعی تداوم سیاست‌های بوش به شکل جدید است که در آن خطر دسترسی القاعده به سلاح‌ها و مواد هسته‌ای به عنوان مهمترین تهدید برای امنیت آمریکا و جهان تعریف شده است. در مقابل دیدگاه‌های خوشبینانه ضمن اینکه معتقدند که تروریسم القاعده خطری برای امنیت جهانی است، استراتژی آمریکا و غرب در مبارزه با این نوع تروریسم را اشتباه می‌دانند. از این دیدگاه، القاعده یک نیروی مذهبی، فرهنگی و سیاسی رادیکال است که ریشه در طرز تفکر افراطی مذهبی - فرهنگی و ویژگی‌های ساخت قدرت و سیاست در خاورمیانه عربی دارد و لذا با ابزارهای نظامی و زور نمی‌توان آن را ریشه‌کن کرد. بر این اساس، آمریکا باید استراتژی خود در مبارزه با تروریسم القاعده را عوض کند و به این مسئله با رویکرد بلندمدت بپردازد. به عبارت دیگر، آمریکا به جای توجه به معلول و استفاده از سرکوب نظامی باید به علت و ریشه‌های شکل‌گیری القاعده بپردازد.

اما در زمینه ریشه‌های شکل‌گیری القاعده سه دیدگاه اصلی وجود دارد. دیدگاه نخست معتقد است که القاعده یک پدیده داخلی و منطقه‌ای است و شکل‌گیری به ویژگی‌های سیاسی - مذهبی و فرهنگی در منطقه خاورمیانه عربی بستگی دارد. از این دیدگاه، ریشه القاعده به عوامل فکری و بنیادهای فرهنگی و نیز محیط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پرورش اعضای این گروه بر می‌گردد. از این لحاظ، مبنای سیاسی - ایدئولوژیک القاعده تحت تأثیر گروه‌های تندرو و سلف‌گرای جهان عرب به خصوص گروه‌ها و احزاب سیاسی مصر همچون «جهاد اسلامی» به رهبری ایمن الظواهری شکل گرفته است.

دیدگاه دوم در مقابل معتقد است القاعده تحت تأثیر عنصر خارجی شکل گرفته و محصول دخالت قدرت‌های بزرگ در مسایل قدرت و سیاست خاورمیانه است. از این دیدگاه، جنگ‌های قدرت‌های بزرگ برای حفظ منافع خود در منطقه خاورمیانه طی دهه‌های گذشته، نوعی از ماهیت قدرت و سیاست در خاورمیانه به وجود آورده که مهم‌ترین ویژگی آن وجود یک زیر سیستم سیاسی - امنیتی بحران‌زا در درون منطقه است. و در واقع وجود چنین سیستمی است که فضای رشد اندیشه‌های رادیکالی و افراطی را فراهم می‌کند. حضور آمریکا و غرب در منطقه خاورمیانه و دخالت در امور داخلی ملت‌های منطقه نوعی معمای امنیتی و بحران‌های هویتی در درون منطقه به وجود آورده که نتیجه آن بی‌اعتمادی و شکاف‌های فرهنگی - سیاسی میان ملت‌ها و دولت‌های منطقه نسبت به نقش‌ها و سیاست‌های یکدیگر و همچنین روابط آن‌ها با قدرت‌های مداخله‌گر خارجی بوده است. از این دیدگاه همچنین رژیم‌های محافظه‌کار عربی به نوعی در حضور، تداوم و نهادینه شدن سیستم‌های سیاسی - اقتصادی و نظامی غرب بخصوص آمریکا در منطقه نقش داشته‌اند. بر همین اساس است که القاعده مبارزه با این رژیم‌ها را در سرلوحه سیاست‌های خود قرار داده تا مشروعیت آن‌ها را در نزد افکار عمومی جهان عرب به چالش بکشد. حمایت بی‌تناسب آمریکا از رژیم رژیم صهیونیستی در روند صلح اعراب و اسرائیل نیز به تقویت القاعده و مشروعیت فعالیت‌های آن در نزد ملت‌های جهان عرب کمک کرده است.

نهایتاً دیدگاه سوم با ترکیبی از دیدگاه‌های فوق القاعده را یک پدیده داخلی می‌داند که با عنصر خارجی فعال شده است. از این دیدگاه،

ویژگی‌های شکل قدرت و سیاست، جنگ‌ها، بحران‌ها و زمینه‌های سرخوردگی در جهان عرب با عوامل دیگری همچون سرعت یافتن جهانی شدن در دهه ۱۹۹۰ ترکیب گردید و نوع جدیدی از بحران‌های هویتی در جهان عرب را پدید آورد که نتیجه آن گسترش تفکرات افراطی در قالب وهابی‌گرایی و سلف‌گرایی بوده است. این تفکرات نه تنها در منطقه و جهان عرب بلکه در درون غرب نیز گسترش یافت، پدیده‌ای که از آن به عنوان «تروریسم خانگی» یاد می‌شود که شهروندان متولد غرب با ریشه‌های فرهنگی - سیاسی منطقه‌ای به نوعی تنها راه مبارزه با غرب و حفظ هویت خود را توسل به ابزارهای خشونت‌آمیز در نظر گرفته‌اند. از این لحاظ، جهانی شدن به دلیل ماهیت یکسان‌ساز و ادغام‌گر خود عرصه را بر فرهنگ‌های دیگر تنگ می‌کند و تنها حامی منافع گروه‌ها و فرهنگ خاص غربی است. از این دیدگاه، القاعده نقطه پیوند جهانی شدن و رادیکالیسم اسلامی است. چنین بحران هویتی امروز گریبانگیر کشورهای اروپایی همچون انگلیس، فرانسه و اسپانیا شده است که القاعده در آنجا به عملیات می‌پردازد.

کتاب حاضر به قلم جناب آقای محمودیان ضمن تأکید بر عوامل و ریشه‌های داخلی شکل‌گیری القاعده با نگاهی مقایسه‌ای به زمینه‌های خارجی شکل‌گیری این پدیده می‌پردازد. نگاه جامعه‌شناسی سیاسی و اطلاعات دقیق در زمینه شخصیت‌شناسی رهبران القاعده و همچنین ارائه آمار و ارقام به نوبه خود این کتاب را اثری جدید و ارزشمند می‌سازد. یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد کتاب استفاده از منابع عربی است که به نوبه خود حاکی از تسلط نویسنده بر نگاه‌های موجود در جهان عرب و

مقدمه □ ۱۵

همچنین فهم مبتنی بر مشاهدات عینی و تجربه نویسنده از حضور در جهان عرب می‌باشد. این کتاب از جمله آثار معدودی است که با تکیه بر نگاه منطقه‌ای و داخلی به تجزیه و تحلیل پدیده القاعده می‌پردازد. امید است که این کتاب ارزشمند مورد توجه محافل دانشگاهی و سیاستگذاری کشور قرار گیرد.

دکتر کیهان برزگر

دانشگاه علوم و تحقیقات

پیشگفتار

ظهور پدیده القاعده در اواخر قرن بیستم یکی از رویدادهای مهم اواخر این قرن و کماکان قرن جدید به شمار می‌آید. این پدیده که توجه بسیاری از تحلیل‌گران مسائل سیاسی منطقه‌ای و جهانی را به خود جلب کرد، باعث تحولات سیاسی-امنیتی فراوانی در سطح منطقه و نظام بین‌الملل شده است. به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا، لشکرکشی و آمریکا و متحدانش به منطقه، سقوط دولت طالبان و اشغال عراق، تلاش برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و اخیراً طرح برقراری صلح با طالبان از سوی دولت آمریکا و غیره در این طیف تحولات عمیق قرار دارند. شبکه یا گروه القاعده به عنوان یک پدیده نو ظهور که نام اسلام را نیز با خود یدک می‌کشد، دارای تاثیرات عمیق و گسترده برمسایل جهان اسلام و روابط دولت‌ها و ملت‌های منطقه خاورمیانه با قدرت‌های بزرگ بوده است. شناخت پدیده‌ها و جریان‌های اسلام‌گرا در جهان عرب (چه تند رو چه میانه رو) همواره مد نظر تحلیل‌گران مسائل منطقه‌ای و جهانی بوده است. شناخت ماهیت فکری _ ایدئولوژیک این پدیده برای تحلیل‌گران تحولات اندیشه‌ای نحله‌های فکری مختلف در جهان اسلام و نیز به عنوان

یک پدیده نوظهور در میان جریان‌های سلف‌گرای اسلامی اهل تسنن که در دهه‌های اخیر رشد قابل توجه‌ای به خود گرفته است، حائز اهمیت است. از سوی دیگر شناخت فراگیر و همه‌جانبه این پدیده برای ایران، کشورهای منطقه و محققین مسائل اسلام اهمیت فرآیندهای دارد. این شبکه در مقطعی در کنار جنبش و دولت طالبان قرار می‌گیرد و به عنوان یک خطر، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای شرقی دچار تنش می‌نماید و در مقطع دیگری دست به اقدامات فرامنطقه‌ای می‌زند و به یک بازیگر تاثیرگذار در تحولات منطقه و حتی جهانی تبدیل می‌شود.

بسیاری از تحلیل‌گران و اندیشمندان مسائل گروه‌های سیاسی - مذهبی کشورهای عربی و غربی راجع به القاعده، تشکیلات و فرآیند فعالیت‌های آن مطالبی نوشته‌اند، اما کمتر به ماهیت فکری، اصول و مبانی اندیشه سیاسی - ایدئولوژیک آن و تاثیرپذیری از مبانی وهابی - سلفی پرداخته‌اند. اهمیت شناخت ماهیت فکری القاعده برای پژوهشگران مسائل سیاسی کشورمان از یک سو و خطر بالقوه این گروه در آینده برای صلح و ثبات در منطقه از سوی دیگر، نویسنده را برآن داشت تا کتاب حاضر را که به مبانی سیاسی - ایدئولوژیک این گروه و میزان تاثیرپذیری از اندیشه‌های وهابی - سلفی می‌پردازد، به رشته تحریر در آورد.

سوال اصلی در این کتاب این است که ریشه‌های شکل‌گیری و مبانی فکری القاعده کدامند؟ برای پاسخ به این سوال چند سوال فرعی نیز مد نظر نویسنده قرار می‌گیرد از جمله، اصول فکری القاعده تا چه اندازه برگرفته از گروه‌های افراطی مصری نظیر الجهاد و جماعت اسلامی است؟ تا چه اندازه القاعده در مبانی فکری خود از اندیشه‌ها و آراء متفکرینی نظیر ابن تیمیه،

ابوعلاء المودودی، سید قطب و دیگران تاثیر پذیرفته است؟ نقش عنصر خارجی در شکل گیری القاعده چه بوده است؟ بحث اصلی نویسنده بر این فرض استوار است که ریشه‌های اصلی شکل گیری مبانی فکری القاعده برگرفته از ایدئولوژی گروه‌های رادیکال مصری است که خود این گروه‌ها اصول فکری خود را از ابن تیمیه، المودودی، سید قطب و عبد السلام فرج گرفته‌اند. این آراء و اصول فکری با نقش عنصر خارجی زمینه‌های عملیاتی یافته‌اند.

تحلیل محتوایی بیانیه‌ها و اظهارات رهبران القاعده فرضیه فوق را مورد تایید قرار می‌دهد. کالبد شکافی بیانات، اظهارات و ادبیات رهبران القاعده، حکایت از الگو گیری و تاثیری پذیری اصول اعتقادی آنها از آرای فکری بزرگان اندیشه‌های سلفی و گروه‌های تند رو جهان عرب دارد. بن لادن رهبر القاعده در این رابطه در مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره قطر که در سال ۱۹۹۸، انجام داد، در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه برخی گروه‌های اسلامی «جهاد» را کنار گذاشته‌اند، نظر شما چیست؟ می‌گوید جهاد واجب عینی است و همان گونه که ابن تیمیه اعلام می‌دارد آن کسی که فتوا به امور جهاد می‌دهد کسی است که علم به دین و شریعت دارد و دارای علم به جهاد و شرایط جهاد است. امروز نیز چنین به نظر می‌رسد که القاعده سقوط بغداد در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا و متحدانش را با سقوط بغداد در سال ۱۲۵۸ میلادی توسط مغول‌ها مقایسه می‌کند. در آن زمان ابن تیمیه مغول‌ها را بنخاطر حمله به بلاد اسلامی مرتد و فتوای جهاد بر علیه آنان صادر کرد و امروز بن لادن و رهبران این گروه، آمریکا را مصداق کفر جهانی دانسته و جهاد بر علیه او را واجب عینی می‌دانند.

کتاب حاضر دارای یک مقدمه و سه فصل است. در فصل اول زمینه‌های ظهور جریان‌های اسلامی در دهه‌های آخر قرن بیستم به عنوان پیش در آمد شناخت کلی جریان‌های اسلام‌گرای منطقه مورد بررسی می‌گیرد. این فصل سعی دارد تا زمینه‌های فکری القاعده را مورد شناسایی بهتر و عمیق تر قرار دهد. در واقع بستر و ریشه فکری القاعده در گروه‌های تندرو و سلف‌گرای منطقه و بطور خاص مصری قرار دارد. شناخت اندیشه‌های دو گروه الجهاد و جماعت اسلامی مصر و رهبران فکری آن نظیر ابن تیمیه، ابوعلی المودودی، سید قطب و عبدالسلام فرج سهم به سزایی در فهم مبانی سیاسی - ایدئولوژیک القاعده دارد.

در فصل دوم چگونگی شکل‌گیری القاعده مورد بررسی قرار می‌گیرد. مباحثی نظیر چگونگی شکل‌گیری القاعده و ساختار آن، شرح حال رهبرانش، بسترهای رشد القاعده در افغانستان به عنوان مهدی برای گسترش شبکه بین‌المللی آن، ارتباطات القاعده با جنبش و دولت طالبان و نیز ارتباط آنها با سایر گروه‌های سلفی در دنیا مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

در فصل سوم دیدگاه‌ها، آراء و مبانی فکری وهابیت مذهبی - سیاسی تشریح و نوع ارتباط فکری آن با القاعده بیان می‌شود. سپس آراء و اندیشه‌های تک تک متفکرین مهم جریان‌های اسلام‌گرا نظیر ابن تیمیه، ابوعلی المودودی، سید قطب و اصول فکری دو گروه سلف‌گرا مصر یعنی الجهاد و جماعت اسلامی مورد کنکاش قرار می‌گیرد و در یک بررسی تطبیقی به میزان تأثیری پذیری فکری القاعده از اندیشه‌های افراد یادشده می‌پردازیم. در ادامه فصل سوم جهت تکمیل بحث، میزان تأثیری‌گذاری

پیشگفتار □ ۲۱

القاعده به طور جداگانه بر سایر گروه‌های سلف‌گرای اهل تسنن مورد بحث قرار می‌گیرد.

امید است این کتاب بتواند کمبودی را که در ادبیات گروه‌های سلف‌گرای تندرو وجود دارد، جبران نماید. بدان امید که دانش پژوهان و محققین علوم سیاسی و تاریخ اندیشه‌های سیاسی، نگارنده را از نظرات و انتقادات گرانسنگ خود بهره‌مند نموده و اینجانب را در هر چه فراگیر و همه‌جانبه کردن مطالب، مساعدت نمایند.



بررسی زمینه ظهور جریان‌های اسلامی در جهان عرب

رابطه نزدیک و تفکیک ناپذیر بین دین و دولت، آئین و قدرت همواره نتایج مهمی بر شکل‌گیری خود آگاهی مسلمانان و پیدایش جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی در قرن بیستم تا زمان حاضر به جای گذاشته است. در قرن گذشته همواره شاهد پیدایش جریان‌ها و نهضت‌های فکری و تلاش برای برقراری حکومت اسلامی بر طبق شریعت محمدی (ص) بوده‌ایم. بازخیزی اندیشه اسلامی و ظهور جریان‌های اسلامی به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم بی‌گمان یکی از عمده‌ترین پدیده‌های قابل بررسی صحنه تحولات خاورمیانه بوده است. ریشه این نهال نو (پیدایش جنبش‌های اسلامی) را باید در تفکرات پیشوایان تجدید فکری و مصلحان اندیشه همچون سید جمال الدین اسدآبادی (۱۸۳۹-۱۸۹۷)، محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵) و رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵) جستجو کرد. چه اینکه نهال هر اندیشه نو، ریشه در بستر تاریخ و تحولات فکری قبل از خود دارد. ابعاد وسیع تأثیرات ناشی از ظهور اسلام سیاسی بخصوص در خاورمیانه بر تصمیم‌گیری داخلی حکومت‌های منطقه و سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ به خوبی مشهود بوده است. جریان‌های

اسلامی که تجسم بازخیزی اسلام سیاسی محسوب می‌شوند، نه تنها در اثر اختلافات شدید ایدئولوژیک و فقدان همسویگری در خصوص اداره حکومت، دولت‌های منطقه را به منازعه طلبیده و به شیوه‌های مختلف در پی رویارویی و از میان برداشتن آن‌ها بوده‌اند، بلکه با حامیان خارجی آن‌ها یعنی آمریکا و متحدان غربی‌شان نیز به منازعه برخاسته‌اند.

پس از در هم شکستن قدرت امپراطوری عثمانی، که عنوان اسلامی را اساس مشروعیت سیاسی خود ساخته بود، جوانان، روشنفکران و احزاب عرب نوید عصر جدیدی از حکومت متحد و مستقل عربی را دادند. اما این خوشبینی مدت زیادی به طول نینجامید و سلطه قدرت‌های غربی بر سرزمین‌های عربی پس از جنگ جهانی اول و آنگاه تقسیم آن به کشورهای کوچک و بزرگ مختلف، یاس و ناامیدی را در میان اعراب حاکم کرد. این روند هنگامی به اوج خود رسید که دسته کوچکی از یهودیان ساکن فلسطین به کمک کشورهای غربی سرزمین فلسطینی‌ها را تصرف و رژیم صهیونیستی را به وجود آوردند.

انقلاب ۱۹۵۲ مصر^۱، ظهور ناسیونالیسم - سوسیالیسم عربی^۲ نیز نتوانست شور و اشتیاق برخاسته در میان جوانان دنیای عرب را پاسخگو باشد. شکست ۱۹۶۷ اعراب از رژیم صهیونیستی، شکاف روز افزون میان کشورهای عربی و گسترش منازعات میان آن‌ها بر سر اراضی و منافع گروهی، ادامه سیاست سرکوب و فشار و اعمال دیکتاتوری علیه آزادیخواهان بار دیگر باعث سرخوردگی جوانان و روشنفکران عرب شد. تنها در این میان یک چیز باقی می‌ماند و آن اسلام بود که می‌توانست این خلاء فکری را پر کند و شور و اشتیاق مجدد را جهت بازبینی ارزشی به

جهان عرب به ارمغان بیاورد. از اصلی‌ترین و مهم‌ترین کانون‌ها در جهان عرب که گرایش به ایدئولوژی اصیل اسلامی را به عنوان تنها پرکننده خلاء فکری ناشی از بحران‌های یاد شده مورد پذیرش قرار داد «مصر» بود. سپس سایر کشورهای عربی از آن تبعیت کردند. در واقع مصر مهد پرورش جنبش‌های اسلامی معاصر جهان عرب به حساب می‌آید. اگر پدیده مصر به خوبی کالبد شکافی گردد، فهم سایر جریان‌های اسلامگرای اهل تسنن آسان خواهد بود.

ظهور و پیدایش جنبش‌های اسلامی در جهان عرب و به طور خاص مصر، بعد از یک فرآیند صعودی - نزولی که پاسخ و واکنشی به بحران‌های اجتماعی - سیاسی - روانی حاد است، به وجود آمده‌اند. در واقع افزایش بحران‌های متفاوت اجتماعی - سیاسی نظیر بحران هویت، بحران مشروعیت^۳، بحران آشوب و فشار، بحران تضاد طبقاتی، بحران فرهنگی و ... در جامعه به حدی می‌رسد که واکنشی را از سوی اقشار متفاوت جامعه به ویژه جوانان و روشنفکران می‌طلبد. در این مقطع جریان‌ها و حرکت‌های فکری اسلامی، خود را به مرحله فعلیت می‌رسانند. به عبارت دیگر یک رابطه علت و معلولی در این راستا می‌توان بیان داشت که به موجب آن ظهور جریان‌های اسلامگرا در جامعه مصر (به طور خاص از دهه دوم قرن بیستم) همواره با دوران‌های بحران شدید اجتماعی - سیاسی - روحی توأم بوده است. در واقع پیدایش جنبش‌های اسلامی در مصر به عنوان عکس‌العمل طبیعی به محیط بحران‌های داخلی و پیرامونی بوده است.

بعد از این مقدمه کوتاه که زمینه‌های تاریخی ظهور جریان‌های اسلامی در دنیای عرب و به طور خاص جامعه مصر را نشان داد، اکنون به

شاخص‌ترین جریان و جنبش اسلامی در مصر یعنی سازمان اخوان المسلمین می‌پردازیم. به طور قطع جنبش اخوان المسلمین به عنوان سرآمد جنبش‌های اسلام‌گرای مصر و خارج از مصر به حساب می‌آید. از دل این جریان اسلامی، تفکرات و نحله‌های فکری متعددی سر بیرون آورد که منشاء تحولات آتی گروه‌های اسلام‌گرای تندرو در جهان عرب گردید. در واقع بدون درک قطعی ریشه‌های تحولات فکری جنبش اخوان، شناخت مبانی فکری سایر گروه‌های منشعب از آن نظیر گروه‌های افراطی و سلف‌گرای جماعت اسلامی و الجهاد و بالاخره شناخت اصول ایدئولوژیک القاعده (هدف اصلی این نوشتار) میسر نیست.

۱-۱. جنبش اخوان المسلمین: شاخص‌ترین جریان اسلامی مصر در دهه

دوم قرن بیستم

پیدایش سازمان اخوان المسلمین در دهه دوم قرن گذشته در واقع پاسخی به محیط بحرانی جامعه مصر و نیاز زمان خود به بازگشت به اسلام اصیل به عنوان تنها مرجع پرکننده خلاء فکری جامعه بود. حسن البنا در مارس ۱۹۲۸ نتیجه طرحی را که سالیان دراز در فکر خود می‌پروراند، عملی ساخت و جنبش اخوان المسلمین را بنا نهاد. وی در میان برخی از دوستان خود عنوان داشت: ما در رهگذر اسلام همه برادر هستیم و بنابر این خود را «اخوان المسلمین» - برادران مسلمان - می‌نامیم و بدینوسیله سازمان شکل گرفت. سه خصیصه عمومی را در اخوان آن زمان می‌توان مشاهده کرد:

۱. روحیه فداکاری و تلاش برای بازیابی عظمت و شکوه اسلام؛

۲. ماهیت ضد اجنبی و ضد استعماری گروه؛

۳. عشق به رهبری سازمان.

سازمان در اوائل کار خود به گسترش و تبلیغات ابتدائی پرداخت و در این میان مساجد نقش اصلی را به عهده داشتند. تاسیس باشگاه‌های مذهبی یکی از ابتکارات حسن البنا بود. در نتیجه نبوغ وی در طی پنج شش سال اول سازمان به صورت یکی از نیرومندترین و فعال‌ترین سازمان‌های سیاسی - مذهبی مصر درآمد. در آستانه جنگ دوم جهانی تعداد اعضای اخوان به بیش از یک میلیون نفر رسید.

طبق نظرات استاد حسن البنا مرحله اول جنبش، مرحله تبلیغ و جلب مردم است. مرحله دوم، مرحله آموزش دینی و سازماندهی و سرانجام، مرحله عملیات است. در سومین کنگره سازمان در مارس ۱۹۳۵، بحث سازماندهی مطرح و تشکیل هسته اول شاخه نظامی اخوان تحت عنوان «جواله» که به تمرین فنون نظامی می‌پرداخت، شکل گرفت. مرشد اخوان در پنجمین کنگره سازمان که به بررسی عملکرد ده ساله جنبش می‌پرداخت، ضمن هشدار به پیروان خود آن‌ها را از شتابزدگی برحذر می‌داشت. وی طی سخنانی در این کنگره گفت:

«وقتی شما از لحاظ پختگی سازمانی و آگاهی انقلابی به مرحله‌ای رسیدید و سیصد هسته مجهز به ایمان و عقیده و تمرین کافی از نظر نظامی در اختیار داشتید، آن زمان از من بخواهید دست به عملیات بزنم. در آن لحظه بزرگترین دیکتاتور جهان را به زانو در می‌آوریم. شما یک انجمن خیریه یا یک حزب سیاسی با اهداف محدود نیستید. شما روح جدیدی هستید برای رساندن مجدد پیام پیامبر. شما

باید خود را حامل رسالتی بدانید که دیگران از برداشتن آن خوداری کردند. اگر در مقابل ما بایستند و جلو پیام ما را بگیرند از جانب خدا اجازه داریم، از خودمان درمقابل بی‌عدالتی دفاع کنیم.»^۴

تا آغاز جنگ دوم جهانی، حسن البنا به صورت رهبری مورد تایید نه تنها علاقمندان به اصلاح اجتماعی و دینی، بلکه سیاستمداران در آمده بود، زیرا همواره با آنها در تماس بود و درباره خطر فساد اخلاقی موجود در جامعه هشدار می‌داد و توجهشان را به نیاز به معیارهای دینی و اخلاقی جلب می‌کرد. اخوان بر طبق عقیده خود در پی برپایی و ساختن یک امت و حکومت اسلامی در درون جامعه مصر بود. در اواخر سال ۱۹۴۸، اخوان بزرگترین خطر برای پادشاهی مصر قلمداد شد.

با تاسیس کشوری به نام "اسرائیل" [رژیم صهیونیستی] در فوریه ۱۹۴۸، مسئله فلسطین به عمده‌ترین مشکل جهان عرب و به طور طبیعی جزو دلمشغولی‌های اساسی اخوان در آمد. اخوان با شرکت در جنگ برعلیه اسرائیل، نقش مهمی در پشتیبانی از فلسطینیان و برانگیختن احساسات مذهبی ایفاء کرد.

با افزایش محبوبیت اخوان در میان مردم، میزان واکنش دولت به عملکرد آنها نیز افزایش یافت. و در نتیجه با طراحی به عمل آمده از سوی دولت، اخوان به تلاش برای ترور مقامات مصری متهم و کلیه فعالیت‌های آنها غیر قانونی و منحل اعلام گردید.

با ترور نخست وزیر وقت مصر، اخوان متهم به دست داشتن در این حادثه شد و چندی بعد حسن البنا در یک حادثه ترور شد. عناصر اخوان

زیر نظر و رهبری صالح العشماوی شروع به تشکیل و سازماندهی مجدد نمودند. مشی رهبری جدید تا حدودی با سیاست‌های موسس آن متفاوت بود و سازمان را به مباحثات با دولت کشاند. با روی کار آمدن حزب وفد در سال ۱۹۵۱ اخوان مجدداً فعالیت‌های خود را آغاز کرد و تماس‌هایی میان اخوان‌المسلمین و افسران آزاد برای براندازی رژیم برقرار شد. افسران آزاد نیروهای اخوان را آموزش نظامی و متقابلاً اخوان کار فکری و مذهبی برافسران را شروع کرد. افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ قدرت را به دست گرفتند و جمال عبدالناصر دولت جدید انقلابی با گرایش‌های ناسیونالیسم عربی را بنا نهاد.

پس از یک دوره کوتاه تعامل میان دولت جدید و اخوان، دوره بین ۱۹۷۰-۱۹۴۵، مرحله تشنج میان آن‌ها بود. علت اختلاف اساسی اصرار اخوان بر اجرای شریعت اسلامی بود که ناصر چندان اعتقاد به آن و مداخله آن‌ها در امور دولت نداشت. در حالی که دولت جدید بخصوص ناصر از نظر ایدئولوژی سیاسی معتقد به جدایی دین از سیاست بود و مذهب را به رابطه‌ای فردی بین «انسان» و «خدا» خلاصه می‌کرد.

بدیهی بود که تأکید اخوان بر عدم تفکیک دین از سیاست و اصرار آنان بر تشکیل حکومت اسلامی و ریختن شالوده زندگی سیاسی و اقتصادی، فرهنگی مردم بر اساس اسلام برای ناصر و یارانش قابل قبول نبود. انباشت اختلافات نهایتاً منجر به انحلال سازمان اخوان توسط ناصر در سال ۵۴ شد و شماری از رهبران اخوان بازداشت گردیدند. با افزایش فشار دولت و ضربه‌های پیاپی در دستگیری رهبران سازمانی که در پی استقرار اندیشه اسلامی بودند، نهایتاً به فکر مهاجرت و جست و جوی موطن تازه‌ای

افتادند. یکی از این مواطن پاکستان بود. شاخه‌هایی از اخوان به این کشور مهاجرت و با اندیشه‌ها و نظرات متفکر پاکستانی «ابوعلاء المودودی» آشنا شدند (درفصل سوم به طور تفصیلی با اندیشه‌های این متفکر سلفی که دارای تأثیرات فکری بر اخوان و سایر گروه‌های جهادی مصر و نهایتاً اندیشه و دیدگاه القاعده داشت، آشنا خواهیم شد).

در اوائل دهه ۶۰ که ناصریسم گرفتار جدائی سوریه (جمهوری متحده عربی ۱۹۶۱-۱۹۵۸)، جنگ یمن و مشکلات اقتصادی شد، مرحله ظهور مجدد اخوان در ۱۹۶۴ فرارسید. ناصر اخوان را آزاد کرد تا بتواند به رویارویی با کمونیست‌ها بپردازد. اما اخوان یکبار دیگر گرفتار اتهام توطئه بر علیه رژیم شد.^۵ اعضای برجسته اخوان از جمله نظریه‌پرداز آن‌ها سید قطب در سال ۱۹۶۶ اعدام شد. شرایط سخت و طاقت فرسای زندان (۱۹۷۱ - ۱۹۶۷) موجب گردید که اعضای رنج دیده اخوان موقعیت خود را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهند. بحث‌های گسترده‌ای در چارچوب دیوارهای زندان در گرفت، و به منازعات و جناح بندی منجر شد. اعضای جوان از رهبران ارشد اخوان عمیقاً دلسرد شدند.^۶

شکست مصر در جنگ ۱۹۶۷، بحران عمیق مشروعیت قدرت رهبری جامعه را پیش کشید و از جاذبیت رهبری فرهمندان ناصر به میزان زیادی کاست. شکست ۱۹۶۷ سراسر جامعه عربی را به لرزه در آورد و به دنبال آن موج انتقاد از خود و درون گرایی بی سابقه‌ای در تاریخ اعراب به وجود آمد. توده‌های جامعه چنین برداشت کردند که راه حل‌های سوسیالیستی و پان عربیستی راه حلی برای مشکلات فرا روی جامعه نیست. بلکه تنها راه حل اسلام است. اخوان المسلمین خلاء سیاسی-ایدئولوژیک بعد از جنگ را

فرصت مساعدی برای تجدید حیات خود یافت. در ضمن گروه‌های اسلامی جدید به ویژه از سوی نسل جوانتر مبارزان خشمگین (منشعب از اخوان حسته) در حال شکل‌گیری بود. سید قطب نقش بسزایی در متحول کردن اخوان المسلمین داشت. نسل قدیم اخوان توان رویارویی فکری با تحولات جدید را نداشت و سازمان نیازمند تجدید حیات فکری بود. سید قطب با نگارش کتاب معالم فی الطريق^۷ (نشانه‌های راه)، تحول فکری جدیدی میان اسلام‌گرایان جامعه مصر و خارج از آن به وجود آورد. (در فصل سوم اصول فکری سید قطب به طور اساسی مورد کنکاش قرار می‌گیرد و میزان تأثیرپذیری فکری القاعده از مبانی فکری نامبرده مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد).

سید قطب تأکید زیادی بر جنبه‌های عملی عقیده اسلامی داشت و معتقد بود مومن به دین برای اجرای رسالت خود و برای انجام وظیفه جانشینی خدا، موظف به انجام عمل است.^۸ وی می‌گفت از آنجا که عمل مسلمان همیشه امری بنیادی محسوب می‌شود، لذا باید در پی تشکیل جامعه عقیدتی بود. سید قطب به دنبال مطالعه اندیشه‌های ابو علا المودودی در زندان، خود و تمامی پیکارجویان را در مرحله استضعاف می‌دید. در پشت دیوارهای زندان چشم به مرحله دوم یعنی «جهاد» دوخت. استفاده از اصطلاح جاهلیت از سوی سید قطب برای مشخص کردن جامعه‌ای که خود در آن زندگی می‌کند، نوآوری و ابداعی بود که نشانگر دوری گزیدن از عقاید سنتی اخوان است. جاهلیت، در واقع سنگ بنایی است که ساختار تئوریک کتاب معالم فی الطريق سید قطب بر آن اساس نهاده شده است.

با معیارهایی که سید قطب برای جامعه جاهلی ارائه کرد، برای نیروهای رادیکال جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نگذاشت که حکومت ناصر و سادات (و اخیراً مبارک) مصداق بارز این معیار هستند. قطب و جوانان اسلام‌گرای پر اشتیاق در پی آن بودند که چگونه می‌توان جامعه جاهلی را نابود و بر خرابه‌های آن حکومت اسلامی برپا کرد. سید قطب معتقد بود که برای اعاده اسلام، به یک انقلاب واقعی امت نیاز به رهبر «پیش‌تاز» دارد که تنها از نسل قرآنی یعنی یاران پیامبر الگو گرفته باشد (رگه‌های تفکر سلفی انقلابی برگرفته از اندیشه‌های المودودی در مطالب و نکات سید قطب بخوبی نمایان است).

سید قطب با مبانی فکریش به عنوان ایدئولوگ مبارز، رهبری تبدیل اخوان المسلمین به رادیکال‌گرایی جوان در دهه ۱۹۷۰ جامعه مصر به طور خاص و جهان عرب به طور عام را به عهده داشت. نقش و نفوذ محوری وی برای پیکار جوانان جدید سه ویژگی داشت:

- به عنوان یک نظریه‌پرداز، تأثیر نیرومندی بر بازخیزی و جهت‌گیری جدید ایدئولوژی اسلامی داشت.
- به عنوان عضو برجسته اخوان المسلمین کهن، تداوم سازمانی میان اخوان و شاخه‌های تندرو و رادیکال منشعب از آن را فراهم ساخت.
- سرپیچی قطب به عنوان یک عنصر فعال از دولت و مرگ او باعث شد تا مبارزان جوان‌تر، شیوه شهادت را از او بیاموزند.

نظرات سید قطب موجب برداشت‌ها و تفاسیر متضادی از سوی مریدانش شد. این برداشت‌های گوناگون از سوی اعضای اخوان در داخل و

خارج زندان منجر به انشعاباتی در درون اخوان گردید. گروه‌های ذیل به عنوان شاخص انشعاب در اواخر دهه شصت از جنبش مادر جدا شدند:

- جماعت المسلمین (گروه التکفیر و الهجره)؛
- سازمان الجهاد؛
- جماعت اسلامی.

بعد از انشعابات جوانان از اخوان، اعضای قدیمی و مسن آن (بعد از آزاد شدن از زندان در سال ۱۹۷۱) شیوه جدیدی را پیش گرفتند و اخوان المسلمین نوین نامیده شدند. این گرایش کوشید شاخ و برگ‌هایی را که «معالم فی الطریق» سید قطب در جهات گوناگون گسترانده بود، قطع کند و رسالت جنبش را به راهی که در اصل توسط حسن البنا بنیانگذار اخوان ترسیم شده بود، محدود نماید. اعضای قدیمی سازمان در اردوگاه‌های ناصر، که رهبران‌شان نه اندیشه‌های خود را تقبیح کرده و نه به خارج گریخته بودند، با این جریان هم پیمان شدند.

پس از اینکه انور سادات مبارزین اسلامی را از زندان آزاد کرد، این اعضای قدیمی از دولت خواستند آن‌ها را به رسمیت بشناسد. ولی نه سادات و نه مبارک تا حال حاضر این گروه را علیرغم حرکت در چارچوب قانونی و گستره محدود فعالیت‌هایش در جامعه از جمله کسب ۳۴ کرسی در انتخابات پارلمانی سال (۲۰۰۵)، به رسمیت نشناخته و کماکان از فعالیت رسمی ممنوع است.

سیاست دولت فعلی مصر به رهبری مبارک مبتنی بر اعمال فشار ادواری بر اخوان است. هر از چند گاهی که نفوذ و درخواست‌های این گروه افزایش می‌یابد، دولت با یک هجوم و طرح از پیش ساخته تعدادی از

رهبران آن را به بهانه‌های مختلف به زندان می‌اندازد و پس از مدتی آزاد می‌نماید. این روند از زمان به قدرت رسیدن مبارک تا حال حاضر ادامه داشته است.

اخوان المسلمین دارای یک شاخه بین‌المللی است و تقریباً در اکثر کشورهای عربی دارای شعبه خاص آن کشور می‌باشد که از سیاست کلی اخوان مادر پیروی می‌کند. اخوان دارای یک تجربه هشتاد ساله سیاست مبارزه و اعتدال می‌باشد و خط مشی فعلی آن مبنی بر موعظه حسنه و تلاش برای اجرای شریعت اسلامی از طریق مشارکت در نهادهای موجود در جامعه، انتخابات پارلمانی و سازوکارهای دموکراتیک می‌باشد. مخالفان اخوان از جمله گروه‌های رادیکال منشعب از آن، این روش اخوان را بی‌فایده و غیر نتیجه بخش می‌دانند.

۱-۲. گروه الجهاد

از میان گروه‌های انشعابی از اخوان المسلمین مصر دو گروه شاخص‌ترین و با نفوذترین گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال این کشور (که هنوز دارای حیات سیاسی هستند) را تشکیل می‌دهند که نظر به اهمیت آن‌ها در ساختار فعلی جریان‌های اسلامی در جهان عرب و نظر به این که زیر ساخت فکری موضوع اصلی ما یعنی مبانی ایدئولوژیک القاعده را تشکیل می‌دهند، به آن می‌پردازیم. این دو گروه یا سازمان عبارتند از:

۱. گروه جماعت اسلامی (انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها ی مصر که بعداً از جماعات الاسلامیه به جماعت اسلامی معرف شدند)؛
۲. سازمان الجهاد.

گروه سلف‌گرای رادیکال الجهاد برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ در نتیجه دخالت در فعالیت‌های ضد قبطی (مسیحیان مصری) شناخته شد. اما قدرت آن تا زمان ترور سادات (۶ اکتبر ۱۹۸۱) فاش نشده بود. گروه الجهاد برخلاف سایر گروه‌های انشعابی از سازمان مادر (اخوان) آماده بودند به جای جدا کردن خود از جامعه (تفکری که جماعت المسلمین به رهبری شکری مصطفی - گروه التکفیر و الهجره - بدان اعتقاد داشت) در ارتش، نیروهای امنیتی و دیگر موسسات دولتی نفوذ کند.

از نظر ساختاری، سازمان الجهاد توسط یک ارگان رهبری و یک ارگان مشورتی اداره می‌شد. ارگان رهبری مسئول کلیه امور اجرایی، برنامه‌ریزی و تعیین خط مشی را به عهده داشت. ارگان رهبری، یک مجلس مشورتی ده نفره داشت که ریاست آن به عهده شیخ عمر عبدالرحمن استاد نابینای دانشکده صنعتی شهر اسیوط بود. عبدالرحمن طی صدور چند فتوا بر اساس شرع اسلامی و شریعت، سیاست‌ها و اقدامات الجهاد را تبیین کرد. تشکیلات سازمان به صورت هسته‌ای و خوشه‌ای عمل می‌کرد. تشکیلات خوشه‌انگوری برای برقراری ارتباط نرمشی بیشتر و برای قطع ارتباط سهولت بیشتری را در اختیار اعضا قرار می‌داد. همه خوشه‌ها از اصلی واحد آویخته بودند و چیدن هر خوشه، تاثیری بر روی اصل نمی‌گذاشت. هر خوشه انقلابی، خودکفا و نیمه مختار بود.^۹ شاخه‌ای که سادات را ترور کرد، یک مسئول ایدئولوژیک به نام «محمد عبدالسلام فرج» و یک مسئول نظامی به نام «سرهنگ عبد الطیف عبود الزمر» داشت که در فرماندهی عملیاتی کار می‌کرد.